ریسک سیاسی و مذاکرات هسته ای

عادلی، سید محمد حسین

در معاملات اقتصادی بین‏المللی،ریسک‏های فراوانی در کارند که می‏توانند طرف‏های معامله رااز یکدیگر دور و یا هزینه انجام معاملات را افزایش دهند. شماره‏ی از ریسک‏های اقتصادی‏اند و با دقت در آن‏ها می‏توان به قدرت اقتصادی‏ طرف معامله پی‏برد.برخی نیز ریسک‏های سیاسی‏اند و با توجه به آن‏ها ارزیابی‏ وضعیت عمومی کشور مقابل،امکان‏پذیر می‏شود.به هنگام انعقاد یک قرارداد مهم‏ اقتصادی،تأمل در هر نوع ریسک ضروری است.

ریسک سیاسی هر کشور معمولا بر اساس شکل بندی نظام سیاسی و ثبات آن،و از همه مهمتر ثبات سیاست‏ها و وجود قاعده متعارف برای رقابت سیاسی سنجیده‏ می‏شود.این مؤلفه‏ها در ثبات و آرامش فضای عمومی جامعه تأثیر گذارند و جامعه‏ را برای ناظران بیرونی پیش‏بینی پذیر می‏سازند.چنین ثباتی،مهمترین نیاز در انجام‏ بسامان معاملات اقتصادی بین‏المللی است و از همین رو ریسک سیاسی را عمیقا تحت تأثیر خود قرار می‏دهد.متقابلا،میزان و چگونگی ریسک‏های سیاسی نیز زمینه‏ بروز چالش‏های کمتر و یا بیشتر را در حوزه موضوعات اقتصادی فراهم می‏سازند. بر این اساس،بازتاب گستردگی و شدت ریسک‏های سیاسی را می‏توان به‏ روشنی در هزینه انجام معاملات اقتصادی مشاهده کرد.در حقیقت،هر قدر میزان‏ ریسک سیاسی در یک جامعه کمتر باشد،آن جامعه هزینه کمتری برای انجام‏ معاملات خود خواهد پرداخت و در مقابل،وجود سطح بالایی از ریسک‏های‏ سیاسی به معنای پرداخت هزینه‏های بیشتر برای انجام معاملات است.و این همان‏ نکته‏ای است که برخی کشورهای در حال توسعه،که از توانایی اقتصادی بالنسبه‏ مناسبی نیز برخوردارند،باید به آن توجه بیشتری بکنند.پرسش آزار دهنده برای‏ آنان چنین است:چرا با وجود برخورداری از شاخص‏های قابل قبول اقتصادی، رتبه اعتباری‏شان به اندازه کافی بالا نیست و یا اینکه چرا در مقایسه با کشورهای‏ دیگر،باید هزینه بالاتری برای معاملات خارجی خود بپردازند.پاسخ این پرسش‏ها را باید در میزان و شدت ریسک‏های سیاسی این قبیل کشورها جستجو کرد.

گر چه اندازه‏گیری میزان ریسک سیاسی،و رتبه‏بندی کشورها بر اساس این‏ ریسک‏ها،به دست مؤسسات معتبر،مشهور و ظاهرا قابل اعتماد انجام می‏شود،اما همواره نمی‏توان با قطعیت گفت که رتبه‏بندی آن‏ها کاملا با واقعیت‏های کشورها انطباق دارد.در واقع محققان این مؤسسات با استفاده از اطلاعات عمومی در دسترس، به ویژه تحلیل‏های موجود و تصویری که از وضع سیاسی یک کشور در نزد جامعه‏ بین‏المللی دارند،به سنجش ریسک سیاسی و رتبه‏بندی کشورها می‏پردازند.توجه‏ فراوان کشورها،به خصوص کشورهای جهان سوم،ه تصویرشان نزد جهانیان،از همین روست و بی‏جهت نیست که آن‏ها سالانه میلیون‏ها دلار را صرف ارائه‏ تصویری واقعی یا خوب از خود می‏کنند.بی‏شک،این هزینه،نوعی سرمایه‏گذاری ملی است و عواید آن به طور غیرمستقیم به کشور باز می‏گردد.

کشور ما در سال‏های پس از جنگ،در مقایسه با دیگر کشورهای در حال توسعه، از عمملکرد بالنسبه مناسب اقتصادی برخوردار بوده است.در برنامه اول رشد متوسط تولید ناخالص داخلی به 8/7 درصد،در برنامه دوم حدود 3 درصد و در چهار ساله‏ اول برنامه سوم 6/5 درصد واقعی بوده است.سیاست اصلاح اقتصادی،که‏ پس از جنگ به اجرا در آمد،و به ویژه در برنامه سوم تبارز یافت،به تدریج در حال‏ نهادینه شدن است.همزمان با این تحولات اقتصادی،سیاست خارجی کشور نیز به‏ سمت تنش‏زدایی و اعتمادسازی گام برداشت که حاصل آن ارائه تصویری مناسب و پیش‏بینی پذیر از کشورمان بود.این تصویر سبب افزایش اعتماد جامعه جهانی به‏ کشورمان شد.حاصل این دست‏آوردها،کاهش ریسک ایران از رتبه 6 به رتبه 4 در چند سال گذشته بود.بر اساس برآوردها،کاهش یک رتبه ریسک،سالانه حدود 250 میلیون دلار از هزینه معاملات خارجی کشور کاسته است.به بیان دیگر، کاهش دو رتبه ریسک،به معنای 500 میلیون دلار صرفه‏جویی سالانه در انجام‏ معاملات خارجی است.

با این همه،هنوز رتبه‏بندی ریسک ایران با واقعیات سیاسی کشورمان‏ انطباق ندارد و ما باید در رتبه بهتری قرار بگیریم.این عدم انطباق،از سویی نتیجه‏ چهره سیاسی بین‏المللی کشورمان و از سوی دیگر ناشی از رقابتهای سیاسی داخلی‏ است که در شکل تنش‏های اغلب غیرضروری بروز می‏کند.

آنچه به تازگی بر فضای بین‏المللی و داخلی کشورمان سایه افکنده،مذاکرات‏ هسته‏ای مسؤولان کشورمان با آژانس بین‏المللی انرژی اتمی و نیز سه کشور اروپایی‏ است.این بحث،که از شهریورماه 1382 آغاز گشت،موجب بروز ابهام در فضای‏ تعامل کشورمان با جامعه بین‏الملل شد و از اطمینان به وضعیت آینده،نه تنها نزد بخش خصوصی و سرمایه‏گذاران کشورمان،بلکه در جامعه جهانی و سرمایه‏گذاران‏ خارجی کاست.

در سال گذشته با اتخاذ تدبیری مناسب و به موقع این تنش و جو منفی جهانی علیه‏ ایران کاهش یافت و از افزایش ریسک سیاسی کشور جلوگیری کرد.با این وجود،در پی رخدادهای بعدی در سال 83،آرامش سیاسی بار دیگر از میان رفت و با طرح‏ مسائل و داعیه‏های تازه،تنش و تشنج بر فضای مذاکرات هسته‏ای ایران و اروپا مستولی گشت؛چندانکه بسیاری از احتمال شکست مذاکرات سخن به میان آوردند. بازتاب تنش تازه بر فضای اقتصادی جامعه،آشکارا قابل رؤیت بود.شاید بتوان‏ نوسانات و ناآرامی‏های بازار بورس اوراق بهادار،در هفت ماهه اول سال 83 را،تا حدودی ناشی از همین فضای تردید و ابهام دانست.

اکنون با تدبیر اندیشیده شده،مذاکرات هسته‏ای به نتیجه قابل قبول برای هر دو طرف رسیده و فضای تنش بین‏المللی و جو منفی علیه کشورمان فروکش کرده است. به انی ترتیب زمینه گشایش فضای اقتصادی،کاهش ریسک سیاسی و نیز پیش‏بینی پذیری و تردیدزدایی از تصمیم‏گیرهای اقتصادی فراهم شده است.بر این اساس و نیز بر پایه پایدار ماندن توافق هسته‏ای،باید انتظار داشت و کوشید ریسک‏ سیاسی کشور کاهش یابد.

خوشبختانه تحولی که همین روزها در این زمینه رخ داد این بود که موسسه‏ فیچ که سال گذشته رتبه ایران را B+ اعلام کرده بود و بنا داشت امسال نیز همین‏ رتبه را بدون تغییر اعلام کند ولی با تذکرات متعدد و از جمله جدلی که در سمینار اخیر فرصت‏های سرمایه‏گذاری ایران در لندن در ماه نوامبر پیش آمد،تصمیم خود را بعد از اجلاس شورای حلام آژانس بین‏المللی انرژی اتمی موکول کرد.با فضای مثبتی که بعد از اجلاس بوجود آمد موسسه فیچ در 14 دسامبر 2004 رتبه‏ ایران را برای سرمایه‏گذاری بلند مت از B+ به BB منفی ارتقاء داد.این اتفاق‏ را می‏توان به معنی اثر مستقیم مذاکرات هسته‏ای بر رتبه‏بندی ریسک سیاسی ایران‏ بشمار آورد.

اینک با این رخداد که گامی به جلو به حساب می‏آید باید بفکر آینده و روند مذاکرات بود.

به هر روی،توافقی دو طرف دارد؛دو طرفی که هر یک می‏توانند توافق را نقض‏ کنند.از همین رو نیز هست که جامعه خردمند،در عین امید،خود را دلبسته توافقات‏ نمی‏کند و همواه آماده رویارویی با گزینه‏های احتمالی است،به نظر می‏رسد باید برای فضای مذاکرات طراحی اندیشیده شود،چه این که فضای مذاکرات هر آینه ر چهره بین‏المللی کشور تاثیر مثبت یا منفی خود ا می‏گذارد.

در این میان،اما،آنچه همواره باید مد نظر قرار گیرد،توجه به پیامدهای سوء ناپایداری توافق صورت گرفته است.ما به هیچ روی نباید در تحلیل فایده و هزینه این‏ توافق و شکست احتمالی آن دچار ابهام شویم.بدون تردید،شکست توافق،موجب‏ ابهام در فضای اقتصادی می‏شود و بار دیگر از قابلیت پیش‏بینی‏پذیری آن فرو خواهد کاست.همچنین این شکست،تصمیم‏گیران اقتصادی بخش خصوصی در داخل و خارج را دچار تردید کرده،سبب افزایش ریسک سیاسی خواهد شد.حاصل این همه، بالا رفتن هزینه اقتصادی معاملات و سرمایه‏گذاری‏ها و کاهش آهنگ رشد کشور است.

قطعا دشمنان ما نه تنها از بروز چنین شرایط نامساعدی استقبال،بلکه برای آن‏ برنامه‏ریزی نی می‏کنند.از یاد نبریم که در وضعیت کنونی توسل به آزمون و خطا شرط درایت نیست؛چه،هزینه خطا بسیار سنگین است.سیاستگران با تجربه نیک‏ آگاهند تنها هنگامی باید بهایی چنین سنگین را پرداخت که موجودیت نظام در خطر باشد.

در فرآیند مذاکرات جاری هسته‏ای هر دو طرف ایران از یک س و سه کشور اروپایی‏ و آژانس بین‏المللی به عنوان نمایندگی از طرف جامعه بین‏المللی از سوی دیگر یک‏ قدم برداشته‏اند.ایران فعالیت‏های غنی‏سازی خود را به طور داوطلبانه و به عنوان‏ یک اقدام اعتمادساز به حالت تعلیق در آورد.و طرف مقابل نیز از ارجاع پرونده ایران‏ به شورای امنیت جلوگیری نمود حقوق ایران را برای داشتن تکنولوژی هسته‏ای‏ صلح‏آمیز مورد شناسایی قرار داد.دو طرف اکنون وارد مرحله جدید مذاکرات شده‏اند. سه گروه کاری هسته‏ای،سیاسی و امنیتی و اقتصادی تکنولوژی زیر نظر یک کمیته‏ راهبری مذاکرات جدیدی را شروع کرده‏اند.

هدف این سمذاکرات در واقع دو امر کلی است.یکی اینکه دو طرف بر سر یک‏ مجموعه اقداماتی برای اعتمادسازی و به اصطلاح تضمین‏های عینی برای صلح‏آمیز بودن تکنولوژی هسته‏ای ایران عدم انحراف آن به روی مقاصد نظامی به توافق برسند و دیگر اینکه یک مجموعه همکاری و مشارکت در زمینه‏های سیاسی،امنیتی، اقتصادی و تکنولوژی هسته‏ای نیز با هم بوجود آورند.

پیشرفت این مشذاکرات مطمئنا فضای بسیار مثبت جوی آکنده از اتماد بین ایران‏ و شرکاء اصلی ااقتصادی جهانی به وجود می‏آورد.شاید بتوان گفت که یک گام مهم‏ برای بین‏المللی کردن اقتصاد و سیاست برداشته می‏شود.

اما برای مذاکراتی با چنین اهمیت،خوشبینی نوعی ساده‏اندیشی به نظر می‏آید،در ضمن اینکه بدبین هم نباید بود.